



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



امیر ابراهیم جلالیان
نویسنده و منتقد سینما



به یاد
آخرین مرد
قلدر مهربان
سینما

همایون؛ تبلور سینمایی که موج نواز دل آن زاده شد

اهل قهر بود و هم اهل مهر. این ترکیب دوگانه، برای مخاطب سنتی و مذهبی نیز قابل پذیرش بود و از سوی دیگر، جذابیت ملودراماتیکی برای تماشاگر عام داشت و البته در «شورش» هم اینچنین بود. اگرچه پوست اندازی در بازی و کارنامه هنری همایون در دهه پنجاه هیچ گاه به سطح پیچیدگی های روان شناختی یا تیپ سازی آوانگارد نرسید، اما می توان گفت که او در خلق قهرمانی که نه سیاسی است، نه روشنفکر، بلکه کاملاً انسانی و شسته رفته است، و بدور از رل های کمدی و طنز آلود گذشته، موفق عمل کرده است.

در این میان، همایون بازیگرانی مثل او حتی اگر در فیلم های جشنواره پسند حضور نداشتند، بخشی در زمینه اجتماعی و فرمی بودند. به واقع، اگر همایون و سینمای او نبود، تمایز و جسارت سینمای موج نو نیز بی معنا می شد. موج نونه در خلأ، بلکه در دل سینمای فارسی یا بدنه شکل گرفت. همچنین، نباید فراموش کرد که برخی از فیلم های بدنه در سال های پایانی پیش از انقلاب، تلاشی برای آشتی دادن سینمای عامه پسند با مسائل اجتماعی کردند. در این آثار، بازیگرانی مثل همایون نیز گاه به مرز بازی های جدی تری نزدیک شدند.

درگذشت همایون، فرصتی است برای بازاندیشی در ارزش های سینمای عامه پسند، برای شناخت تأثیر بازیگرانی که شاید در نردبان سینمای هنری کمتر جایی داشتند، اما در حافظه ی جمعی مردم ماندگار شدند. او بازیگری بود که خود را قهرمان روشنفکری و اسطوره بی چون و چرانمی دانست و همایون بود یک کمدین مردمی، بی ادعا، از نسل ناب و طلای هنر پیشه ی خاکی مسلک و سرشناس صمیمی، و همین بی ادعایی، راز ماندگاری و محبوبیت او در دل تماشاگر ایرانی بود. هنرمندی که نزدیک به پنجاه سال از دنیای سینما محروم بود و فقط در قلب و ذهن مردم جا داشت نه در صحنه تئاتر و نه در پرده نقره ای سینمای فعلی اسم و اثری از او دیده می شد. اما نام همایون با بخشی از تاریخ سینمای کلاسیک ایران گره خورده و ثبت شده است.

با درگذشت محمدعلی تبریزیان [همایون]، یکی از نمادهای سینمای عامه پسند دهه های ۴۰ و ۵۰، نه فقط یک بازیگر بلکه بخشی از حافظه جمعی تماشاگر ایرانی خاموش شد؛ مردی که با صداقت، سادگی و غریزه ای ذاتی، تیپ ماندگار «قلدر مهربان» را در سینمای بدنه خلق کرد. روحش شاد

در سال های پر التهاب کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، نوجوانی با فیزیکی قابل توجه و خوش ادا از مشهد به تهران کوچ کرد و در حوالی خیابان شاه آباد و میدان مخبرالدوله در منزل عموییش سکنا گزید، او محمد تبریزیان یا به قول پدرش «همایون» نام داشت. بازیگری که بعدها از کمدین های مشهور نسل طلایی سینمای ایران شد. همایون بواسطه اجرای نمایشنامه در مدرسه گلشن جذب تئاتر تفکری شد و از طرفی علاقه مندی و اشتیاق به فیلم های لورل و هاردی و تارزان او را به سمت و سوی دنیای شکفت انگیز سینما جذب کرد.

قلدر معاب را خلق کند.

جذابیت همایون در همین سادگی و صداقتش بود. او در دل یک سینمای کلیشه ساز، توانست «تکرار» را بدل به «تمایز» کند، تکراری آشنا که مخاطب طبقه متوسط و پایین شهری با آن احساس نزدیکی می کرد.

همایون همراه با موج نوی سینمای ایران، سبک و ژانر بازیگری اش را تغییر داد و معتقد بود هنر پیشه خوب هر رلی را باید بازی کند و در یک قالب نماند. بنابراین یک چرخش ۱۸۰ درجه ای در رفتار بازی اش شکل داد و با حضور در فیلم هایی چون «باباشمل» ساخته اعلی حاتمی، «تپلی» و «شورش» ساخته لرضا میرلوحی و «شاهرگ» اثری از آداوود نژاد و فیلم مهجور واقع شده «زن زمین»، «خوش غیرت» کاری از لایرویز نوری کارنامه قابل تامل برای خود رقم زد.

البته از یاد نبریم که سینمای ایران، نه فقط با موج نو بلکه با «توده مردم» و تفکرات قشر آوانگارد سینما شکل گرفت و همایون یکی از صادق ترین چهره های این توده بود. همایون هرگز خود را بازیگر روشنفکر ننماید. او بازیگری بود که مردم دوستش داشتند، و این مهم ترین معیار در موفقیت بازیگری در سینمای بدنه است. او نماینده نسلی از بازیگران بود که در دل سینمای سرگرم کننده و عامه پسند، شخصیت های ماندگار ساختند.

در چند اثری که بوی تفاوت و تمایز با سینمای بدنه داشت و برگرفته از تفکرات انتقادی بود، نقش آفرینی متفاوت و خوب همایون حتی منجر به دریافت جایزه و تقدیر در فیلم زیبا و تحسین برانگیز «تپلی» هم شد.

در تحلیل کاراکترهای همایون در چنین آثاری یک الگوی روایی غالب به چشم می خورد مردی که توسط ساختارهای ناعادلانه اجتماعی، یا نابرابری طبقاتی به گوشه رانده می شود. این مرد قربانی، از نظر فرم، در ادامه، تیپ قهرمان لمپنیزم بود. چهره ای که هم زور بازو داشت و هم دل مهربان، هم

همایون سال ۱۳۳۸ با رل کوچکی در فیلم از پاریس برگشته ساخته [ابراهیم باقری] و سپس داماد میلیونر [سالار عشقی] وارد سینمای عامه پسند آن برهه در سینما شد.

ابتدا، تا حدودی نقش های جدی و جاهلی را در کنار ناصر ملک مطیعی و عباس مصدق بازی می کرد اما بتدریج در اواسط دهه چهل کمدین قابل توجه و اسم و رسم دار سینمای به اصطلاح روشنفکری آن روز فیلمفارسی شد. سینمایی که تقی ظهوری رقیب سرسخت و بی چون و چرای او بود. بازی همایون را نمی توان با معیارهای امروزی یا حتی بازیگری متدیک دهه های اخیر سنجید. جنس بازی او اغلب بر پایه حس آنی، بیان طبیعی دیالوگ و استفاده از زبان بدن مردان طبقه کارگر یا لمپن شهری و تأثیر مهم دوبلور او عزت الله مقبلی استوار نمود. او به نوعی بازیگر تجربی بود که در تکرار نقش ها، به تسلطی غریزی بر شخصیت های تیپیک خود رسیده و از کاراکترهای سینمایی چون لورل هاردی وام می گرفت.

اصولاً در نقش هایی که نیازمند بازیگری صرف نبودند، بلکه نیازمند حضور بودند به خوبی جلوه پیدا می کرد و حضور داشت؛ حضوری که نه از تکنیک، بلکه از درک شهودی موقعیت و زبان مخاطب نشأت می گرفت.

دهه چهل که اساسا سینمای فردین یا به گنج فارونیس می معروف بود. همایون هم از این تیم مستثنی نبود و در آثاری که فردین و فروزان و آذر شیوا حضور داشتند نقش بسزا و پررنگی داشت و در تیپ های مختلف چه جدی و چه کمدی شرکت می کرد و حضور در «سلطان قلب ها» و «یاقوت سه چشم» را دو سبک بازی متفاوت می دانست. او با چهره ای مردمی، فیزیک مناسب، گاه نقش های خشن اما مهربان و صدایی آرام و نافذ، اغلب در قالب مردانی ظاهر می شد که برخلاف ظاهر زمخت شان، قلبی پاک و دلی رئوف داشتند. همایون از جمله بازیگرانی بود که موفق شد تیپ کمدین ساده و

شام ایرانی
به روایت
محمدابوباب

